

گربنیوچ

ترفند رنگی قورباغه‌های هسته‌ای



موجودات، راهکارهایی در طبیعت برای محافظت و بقای خود دارند که حتی ما فکرش را هم نمی‌توانیم بکنیم. در یکی از این موارد شگفت‌انگیز، دانشمندان متوجه شده‌اند که قورباغه‌های سبز منطقه چرنوبیل، برای اینکه اثرات رادیو اکتیو موجود در این منطقه را کاهش بدهند، به رنگ سیاه درآمده‌اند. راکتور هسته‌ای چرنوبیل در بهار سال ۱۹۸۶ منفرج شد و زندگی انسان‌ها و حیوانات را دستخوش دگرگونی‌های عظیم کرد. امواج رادیو اکتیو همچنان به شدت در منطقه بالاست و در چند دهه اخیر، منطقه چرنوبیل ممنوعه اعلام شده است. دانشمندان در سال‌های اخیر، به زندگی حیواناتی که همچنان در منطقه هستند علاقه‌مند شده و دریافته‌اند که بعضی از آنها، برای ادامه حیات، دچار تغییرات بنیادین شده‌اند. نمونه معروف آنها، قورباغه‌های آزاد هستند که در سراسر اروپا دیده می‌شوند. اما این قورباغه‌ها در چرنوبیل، برای بقای خود به رنگ سیاه درآمده‌اند. زیست‌شناسان می‌گویند این پوست تیره، مثل یک سپر در برابر تشعشعات هسته‌ای عمل می‌کند و حیات قورباغه‌ها را تضمین می‌کند.

تجربه ۶۰ هزار دلاری مرگ



برخی روش‌های درمانی برای برخی مشکلات روانی، خیلی عجیب و غریب و جسورانه به نظر می‌رسند اما قطعاً روشی که یک شرکت روسیه‌ای ارائه می‌دهد با فاصله از همه آنها عجیب‌تر است. این شرکت برای درمان اضطراب، تجربه کنترل‌شده زنده به گور شدن را فراهم می‌کند که البته ۶۰ هزار دلار هم آب می‌خورد. در روش درمانی، که درواقع یک مراسم تشییع است، داوطلبان برای حدود یک ساعت زنده به گور می‌شوند. جالب این است که این شرکت، تجربه آنلاین از زنده به گور شدن را با قیمت حدود ۱۵ هزار دلار هم ارائه می‌دهد که شامل پخش ادعیه و موسیقی مناسب، روشن کردن شمع، و نوشتن وصیت‌نامه است. شرکت ارائه‌دهنده این خدمات مدعی است که با تشییع جنازه و زنده به گور کردن، به داوطلبان این توانایی را می‌دهد که نه تنها مشکلات روانی خود را برطرف کنند، که توانایی‌های روانی خود را بشناسند.

رکوردشکنی قهرمان طناب‌بازی



طناب‌بازی از نظر بسیاری از ما، چیزی بیشتر از تفریح ساده نیست و آنها که کمی ورزش می‌کنند هم ممکن است به آن به چشم روشنی برای انجام تمرین‌های هوازی نگاه کنند. اما طناب‌بازی، یک روش بسیار جدی در بسیاری از کشورهای دنیا نیست و حتی رکوردهای جهانی منحصر به خودش را هم دارد. یکی از قهرمانان طناب‌بازی دنیا، رایان آلونزوی فیلیپینی است که چند رکورد در این ورزش به نام خود ثبت کرده است. او اخیراً در یک اقدام حیرت‌انگیز، رکورد جهانی طناب‌بازن ضربدری را به نام خود ثبت کرده و ۳ هزار و ۷۳۱ بار به صورت ضربدری طناب زده است. رکورد قبلی، ۲ هزار و ۴۰۵ بار طناب زدن متوالی ضربدری بوده است. او یک رکورد خارق‌العاده دیگر را هم در سال گذشته به نام خود ثبت کرده است؛ او پارسل در ۱۲ ساعت، بدون وقفه ۲ هزار و ۵۰۵ بار متوالی، طناب را در هر پرش دوبار دور خود چرخانده بود. این فعالیت‌ها، نیاز به توان جسمی و البته روانی بسیار بالایی دارد و آلونزو گفته است که در راه آماده‌سازی برای رکوردگیری اخیر، دوی ماراتن تمرین کرده و روش‌های مختلفی را برای بالا بردن آمادگی ذهنی‌اش امتحان کرده است.

بازتاب جهانی مرگ عمو حاجی

کثیف‌ترین مرد دنیا به‌خاطر حمام رفتن مرده است؟

در گذشت یک مرد عجیب و غریب در ایران، که شهرتی بین‌المللی داشت، حالا بازتابی جهانی داشته و بسیاری از رسانه‌های معتبر جهان به آن پرداخته‌اند.

این مرد ۹۴ ساله که به «عمو حاجی» معروف بود دهه‌ها حمام نرفته و در یکی از روستاهای شبیراز در انزلی زندگی می‌کرد. رسانه‌ها در ایران، لقب «کثیف‌ترین مرد دنیا» را به او داده بودند و رسانه‌های بزرگ بین‌المللی هم طی سال‌ها، در گزارش‌های متعددی به او پرداخته و از همین لقب برای او استفاده می‌کردند.

بی‌بی‌سی در گزارشی که درباره مرگ او منتشر کرده نوشته است: «عمو حاجی برای بیش از نیم قرن، از صابون استفاده نکرده بود و دلیلش هم این بود که می‌ترسید این کار، باعث مریضی او شود. این مرد ایرانی، چندین بار تلاش مردم روستایش برای اینکه او را به حمام ببرند را ناکام گذاشته بود. متر و هم نوشته است که عمو حاجی ۷۷ سال پیش رفتن به حمام را کنار گذاشت چون فکر می‌کند برای او بدشانسی به همراه دارد و حتی ممکن است به مرگ او منجر شود. رسانه‌های خارجی به نقل از منابع داخلی



حیوانات را می‌کشید. او وقتی هم تنباکو در دسترس نبود، مدفوع خشک‌شده حیوانات را می‌کشید.

روزنامه گاردین در گزارشی درباره مرگ او، نوشته است که حالا عنوان رسمی کثیف‌ترین مرد دنیا، به یک هندی می‌رسد که به گفته رسانه‌های این کشور، بیش از ۲۰ دهه است حمام نکرده است.



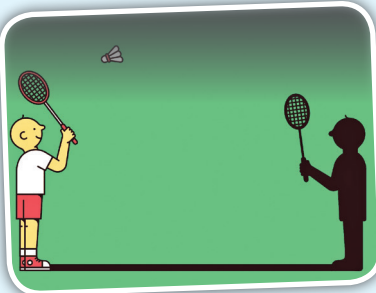
چنگیز جلیلودن صاحب صدای خاطره‌انگیزی از بود که جلوه «قهرمان» را در ذهن بسیاری از ایرانیان جا انداخت. جلیلودن ۱۳۱۹ در شیراز متولد شد. او فعالیت هنری‌اش را در سال ۱۳۳۶ و با تأثیر به همراه ابوالحسن نهامی آغاز کرد. این دیپلور سرشناس جای ستاره‌ها و قهرمان‌های ماندگاری صداپیشگی کرد و صدایش را زوی نقش‌هایی از بل نیومن و مارلون براندو که عمیق‌تر بودند تا سیلوستر استالونه و بروس ویلیس که بیشتر به زور بازی‌شان می‌بالیدند، همانند می‌کرد. از چنگیز جلیلودن در سال ۱۳۵۷ به عنوان یک دیپلور نمونه جهانی نام برده شد. او که به «مرد حنجره طلایی» معروف شده بود، دیپلور ثابت مارلون براندو و بل نیومن بود و بسیاری از فیلم‌هایی که از براندو در ایران دیده‌ایم، از دزیره تا دربار انداز و زنده‌باد زاپاتا را با صدای او به یاد می‌آوریم. خود او گفته وقتی خبر درگذشت براندو را شنیدم، احساس کردم قسمتی از وجودم جدا شده است. او ۱۲ آبان هم به جای ریچارد برتون حرف زده و ۱۴ آبان به جای سسلان خان و ۱۴ آبان به جای شان کانری صداپیشگی کرده است و البته صدایش را به جای این بازیگران نیز شنیده‌ایم: کرک دگلاس، کلینت ایستوود، جان وین، گری گوری یک، رابرت دنیرو، کلارک گیبل و...

در حدود ۱۵۰۰ فیلم خارجی و ۸۰۰ فیلم ایرانی را صداپیشگی کرده و به گفته خودش با تمام بازیگران همدات پنداری کرده است. جلیلودن از ن صدایش استفاده‌های مختلفی می‌کرد. گاهی تو داغی حرف می‌زد و گاه به صدایش حیم می‌داد. او تبحر ویژه‌ای در جان دادن به صدای شخصیت‌های خشن داشت و می‌توانست برای هر کدام بیانی متفاوت خلق کند. بهترین توصیف را خودش در این‌باره کرده بود: «من در حنجره‌ام می‌دانم کدام تار صوتی مخصوص چه نوع صدایی است و همه اینها تحت کنترل خودم است.»

چنگیز جلیلودن دیپلور، مدیر دیپلوز و هنر پیشه ایرانی، سرانجام به دلیل ابتلا به بیماری کرونا در دوم آذر ۱۳۹۹ و در ۸۰ سالگی درگذشت.

دغدغه

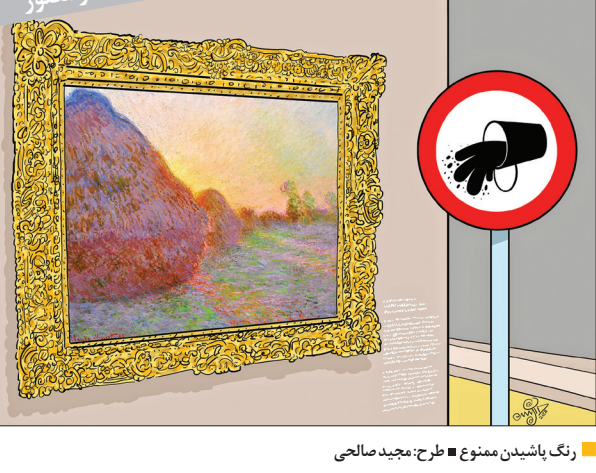
یکی بس نیست



فرزند قطعاً مشکلاتی را به همراه خواهد داشت، اما توصیه می‌شود که والدین با افزایش سطح آگاهی خودشان، یادگیری مهارت‌های زندگی و پایداری در زندگی مشترک و همچنین کمک گرفتن از مشاوران متخصص، فرزندان‌شان را تربیت کنند تا میزان مشکلات هم کاهش یابد.

را در کودک افزایش می‌دهد، بنابراین این اضطراب اجتماعی در این کودکان بیشتر خواهد شد. در خانواده‌های چندفرزندی کودکان حین بازی و ارتباط با هم، دچار چالش‌هایی می‌شوند که حل آنها به یادگیری و کسب مهارت‌های زندگی کمک می‌کند اما یادگیری و ارتقای مهارت‌های زندگی معمولاً در کودکان تک‌فرزند کمتر است، چرا که شرایط ارتباط با دیگران را ندارند. ضمن اینکه در خانواده‌هایی که یک فرزند وجود دارد، معمولاً این کودکان بزرگسالان را جایگزین همسالان و خواهر و برادر می‌کنند و به همین دلیل رفتار آنها بالغانه می‌شود و کودکی نمی‌کنند و خیلی زود به بلوغ فکری و جسمی می‌رسند. نسل بعدی هم دیگر نه عمو و خاله دارند و نه عمو و دایی و این مفاهیم به راحتی کمرنگ می‌شوند. با اینکه داشتن ۲ یا چند

آخر مصور



رنگ پاشیدن ممنوع ■ طرح: مجید صالحی

فراخوان

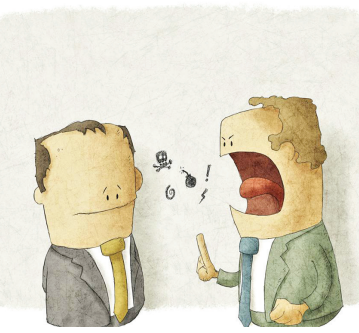
بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرحی که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

روزی برای همکار بداخلاق

مریم ساحلی
روزنامه‌نگار



در خانه را که می‌بندد، هوا تاریک شده است. در امتداد دیوارهای بلند کوچه راه می‌افتد و گوش به صدای قدم‌هایش می‌سپارد که بر سکوتی ملال‌انگیز خش می‌اندازد. گوشه‌ی را از کیفش می‌کشد بیرون و زنگ می‌زند به همسرش که زودتر برگردد منزل. دلپاس تنهایی دخترش است. ابرهای خاکستری دنبال سسر هم می‌دوند و نه‌نم باران آهسته آهسته باریدن آغاز می‌کند. می‌داند شیفت شب پرزحمتی را پیش‌رو دارد. اما وقتی یادش می‌افتد که با یکی از خوش‌اخلاق‌ترین پرستاران بخش، هم‌شیفت است، خون به صورتش می‌دود و لبخند بر لبش می‌نشیند. می‌داند تعداد بستری‌ها هر قدر هم که بالا باشد با همکاری پرستاری کار بلد و صبور و خوش‌خلق، تحمل سختی کار و بی‌خوابی و دلنگرانی‌ها آسان می‌شود. واقعیت این است که خلق و خوی همکاران مهم است. اینکه یکی اول وقت سلامت را با لبخند و صدای رسا بدهد یا زیر لب و سربه‌زیر و ابرو گره‌خورده، علیک بگیرد، فرق می‌کند. اینکه یکی وقت چای، در قفدان را برآورد و تعارف کند یا آبنباتی از جیبش در آورد و بگذارد کنار دستت، قشنگ است. یا نه وقتی ببیند حالت خوش نیست و توی فکری، از حال و روزت بیرسد و یکی دو جمله امیدبخش بگوید، خوب که نه، خیلی خوب است. بی‌تردید همه ساعتی که آدمی در محیط کار خویش می‌گذراند، جدا از این موضوع که کارش تا چه میزان دشوار باشد، می‌تواند سهل‌تر بگذرد یا سخت‌تر و این آسانی و دشواری بسته به تعاملی است که میان ما و همکاران‌مان وجود دارد. در واقع همه آن ساعاتی که در محیط کار سپری می‌کنیم، می‌تواند از فایده و صحت بیشتری نشان داشته باشد اگر فضای کارمان آکنده از عطر احترام و محبت و دوستی باشد. حال که سخن بدین‌جا رسید خوب است، همین امروز تصمیم بگیریم تا از این پس همکاران مهربان‌تری باشیم و پادمان باشد بداخلاقی همیشه بداست و در محیط کار از بد هم بدتر. آری همین امروز می‌تواند آغازی نو باشد برای ما؛ امروز که بیست‌وهفتم اکثر است و بر پیشانی‌اش روز جهانی همکار بداخلاقی نقش بسته است.



بوک مارک

من قاتل پسر تان هستم

هر ۳۰ سال یک‌بار یک بوک مارک زخم برداشته بودیم و باهم آورده بودند ما را پشت جبهه جنگ و آن بیمارستان. ترکش شکم را پاره کرده بود و مجبور شده بودند نیم متر از روده‌هایم را کوتاه کنند. میزرا هر دو پایش از زیر زانو قطع شده بود و داوود چشمانش ترکش خورده بود که دکترها می‌گفتند خوب می‌شود؛ اما هر دو چشمش را بسته بودند.

هر سه روی تخت افتاده بودیم و نمی‌توانستیم از اتاق بیرون برویم. تنها سرگرمی می‌مان نگاه کردن از در نیمه باز اتاق بود و دیدن تخت‌های روان که پرستارها آنها را از این سو به آن سو می‌کشاندند. مجروحان را یک راست از خط مقدم نبرد به بیمارستان‌های پشت جبهه منتقل می‌کردند و به همین خاطر آنهایی که تازه وارد بودند، هنوز لباس جنگ تن‌شان بود یا خون‌های دلمه بسته روی صورت و بدن.

دیالوگ

دفترچه خاطرات

نیک گاساوتیس
«تو نمی‌تونی زندگی خودت رو واسه دیگران زندگی کنی. تو باید اونچه که برات مناسبه رو، حتی اگر باعث بشه به برخی از افرادی که دوستش داری صدمه بزنه، انجام بدی.»

